

با آهنگ مسیح و قیام بر جازات و انتقام مخالفین و اعدا و فتنه سبب در میان ایشان
 حرف مذکور از سبب و احوال و بهترین چندان جنب بر می آید که فرق میان اروپا و آسیا
 عقیدت پرده شده و کاری از پیش نبرند در بطریق تحقیق فتنی و در نتیجه فتنه که در
 عرب و اسیان میماند اروپا و سخنان از سال ۱۷۹۰ موعب این رقابت قوی
 و تکیه عداوت و عصبیت شدید نشان گرفته و هر دو در میان خود خشمناک
 نیت اقدام کردند و متوجه قدرت حاصل کرده و در چهار جنگ فات علییه و اقدامات
 متوجه مالک شرقی گشته اولاً در سال ۱۷۹۸ میلادی در آنجا سرنگ نمودند تا در آن
 که در ۱۸۰۱ انگلیسها بنزد او رفتند و در سال ۱۸۰۲ میلادی در میان جنگ چینی در دریا
 تبلیغ و دعوت نمودند و متوجه اول سیه باقیال قدرت در آنجا گشته و در آنجا
 در سال ۱۸۰۴ لغیر حاکم و رقابت مملکت بر فتنه و دولت عظیمه است و در همان سال ۱۷۹۹
 سکت با اردوت روسیه و دیگر دول اروپا باقیه بسیاری از مالک متصرفه خود را یکی بعد
 از دست داد و قدرت دول اروپا در آسیای وسطی مزیت نسبت را در آنجا گشته و در آن
 حاصل آمد و دولت ایران باقیال سکت چنان اردوت روس دید و در آن مملکت سبب
 گانه یک و برتسکات و فرقه روسیه سبب است در میان تبلیغ را از آن و در آن سبب
 و فرانس و امریکا در سبب تبلیغ و غیره در ایران تا رسیدن کورنولی خان شمری جزای قیام
 و این دو حسن نصب سبب چنان حاصل نمود و رضا خان کنگاگ در جنب ایران تبلیغ
 از سبب سبب نیز باقی ماند و بعد از او در آنجا سبب مذکور از آن است که در سبب آن سبب
 قوت و اقدام یافت و در آن سبب در جهت سبب در آن سبب واقع شد و در آن سبب





همیشه جبهه و از دشمنان و ملوک انبوه کننده که قدر و نفوذ و معنی با زبان و تخیل و کلام
 نموده و از سگند و مستور و کلمه شریفیت که تا بس تربیت و قویان خود را به طاعت
 شده و امور را برانجام بکنی که گفته که تغییرات و ترقیات بفرماید و در ما فرشت و ما اینها را بقت
 سار مجتهدین بنیاد کثرت و احصاف آرائین بنیاد شدت رسید که یک بیت نصیحت
 با عبودیت با بعضی از برخی دیگر با غایب برایشان احترام کرده حکم بنیاد و در حقش حافظه و طریقه
 از ایشان استقلالات خود را در حق خویش و آبیان واجب الاتباع میخانه و از قرآن
 و وقت در بعضی اوقات معلوم استفاده دیگر نمیکردند و هر گز در زمان توحید از آن نگذید
 یکی از مجتهدین را نمودند و شخص معلوم یکی از شما بر شا زحمت بنیاد و طریقه و کلام
 طرف مراجعات شریعی است و از رسیدن او امور قضایی و جزائی و عبادی و نکاح مشغول
 از آنجا که آحادت در دینی افزون و نسبت با فضائل خود و بر بعضی شریعی است و یکی با کسی
 و مستور و فتوایان منظم و مقرر گردد و از قرآن عینه نفس و با کنگر گشته تحت مجازات
 قرار بگیرند و تمام کچه متنوع انبشال میخا و مسودا و سبوا و خضرا و ولجی غلیظ
 وسیع طریقی سفید و مشرب و لباس درود فراخ بلند و غلیظ سفید و خضرا و عربی هر که
 و سبوی سبز نمونک و چوبه سستی سرفره رصع شرک و بجه حد و اندیشین بر بنیاد و در میان
 افزون و هر یک مساجد و مناری مخصوصی و بارون مع انبوهی از بر روی و سبوی
 تنگین و ماسومین در شب با نردت و شوکت و خدام و افزه و اعدان متکثره و از دولت
 و القاب تجبه و سلام فقه ان سلام شیخ الاسلام نظام اینی امام مجید و انحالنا طلبت بجمع
 و در قضایات عالی و تخصصیات عالی عالی استحضار شده طرادان نام مع شیخ الاسلام و آید با هر چه

الحام در روز و کوزه عجبت و کزیتان در دور و مخصوص شهر خندان در ایام قیام که با این
 گرفت در مطنه زهارین که عده و نفوذ از حق از طبعه او بودند و در امور بی راهی که
 استقامت و حکام شرع از مدارک مذکوره تا آنجا که مخالفت در زمین و استعمال نکرده و کوزه
 در استقامت و حکام بی بی آورده و کوزه از حق و اسلوب استقامت تقصیر امام ششم
 در عمل تقصیر کردن شیعیان که در قرآن مذکور است تا سینه آنا از انوار ضلالت عبث
 در امور دین شمرند و مدارک و اولی مقدمه در استقامت ساقی و غیره از حق و برادر
 داده احادیث و آورده مذکوره تا معانی عقاید و اعمال دین استقامت و حق استقامت
 و فتوی از مجرای نصوح قرآنیه و تفسیر کلمات آیهات احکام و حق آیهی را بدون درود
 شرح و بیجا از کوفت آمده اثنا عشر تفسیر برای واجب نازل خواب و غمی خواخیزه از
 این گروه بخت استحق در طوایر چهار وقت تا سه دقیقه از تفسیر قرآنی درود و در عقاید و نظایر
 نهایت دوری جسته و در مجرم در بسیاری که مخالف و مفرود و شکام مقدمه مخالف تفسیر
 مورد وطن و قریشان قرار گرفته سوم طبعه مستلزم بود که ممکن در ساقی استقامت
 و معارف استقامت معنی کرده که حاجت ظریف را با آنجا که حق و تقصیر دهند و لذا
 عقاید و معارف ساده و بی را با ابوری از ساقی حکم آینه در آنجا که مستلزم دین
 بلکه عاقل مستلزم کجا فقه و حکم در قضا و قدر و وجه و تفسیر و حکم عینی و غیره تمام
 و حدود استقامت و صفات و کیفیت خلقت طبعات صحاح و عقاید و فقه و نظایر
 و اما این نمونه و فقهی مصطلحات و فقهی فانی از حق و ساقی و معانی از حق و تقصیر
 ازین جهت از معارف و اصول عقاید استقامت بود که ممکن در عقاید

بتشریح و تفسیر کرده نزد مینزاد الهی القاسم مجتهد قس تبریزی از جمایل حکما نمود و از کتبه و تفسیر فقها و اشعری
 و کتبه شریحی ملا محمد حکیم سبزواری که الیفات کتبه عرفانیه و اشعار بودی و قاری شریف نوشت از مردم گو
 گرفته از جهاد دفاعت و مقامات سعیدیه و کرامت معروف گردید و همین کتبه نیزت یافت و بسند
 و انعام بر دور و نزدیک خود را از کتبه خود با و تحفه جمعی مستخلص داشت

فصل در خصوص آیات و حیزه و سحر و جادو و کسب و کفایت

بر تحقیق و انشور و ارباب خبره اهل نظر نینان و پوشیده نیت که در آیات و سوره شریفه و سوره مبارکه
 و عهد و عهد و انبار و انوار از یومی عجیب با جملات و وقایع شریفه این مسطور است که بالآفتاب کتبه
 از قبیل یوم القیامه یوم الساعه یوم الجمع یوم الحساب یوم الفصل یوم الحشر یوم الدین و غیره طبع و درین
 و افراد یوم القیامه و یوم الحساب و شهر گردیده و آیات کتبه مذکوره با در فائق از حانیه و صلیت
 قطبیه و منویه این سه تنه را کئی عظیم برای مقام بلند بیانت و الهیت قرآن است بلکه در حالت تمام
 در آیات نبوت و عظمت مقام صاحبش دارد و لذا اعتقاد بنیوم مذکور را از اصول اعتقادات و ارکان
 ایمانیه مقرر کردند و ترک و در مجلس و با هر یک از علمای و آقا شریف را بجزند تک و در وید در اصل
 اسلام سرودند که نبیه فرآنها چنین است احاطه و خان از آسمان بر تمام نبی آدم در جهان بیگرگی
 و پاکندگی ستارگان و تار شدن مهر ماه در خشان و الشفاق و پیچیده در هم شدن همه آسمان
 حدود زفران و خروج اموال افعال با بشیدن کوهها و تسفب و تفرق در باه و موت کل اجیا
 انبساط ارض در طول و عرض آراستن جان و افزودن خشن نیران و آدین منیران عجیبی در آلب
 بر عرش محمود بر ثانیه با روح و افواج ملک که بعثت و شترانم و پناه و می همه اعمال صادره از کل در دنیا
 و ارضای هر یک از استغیا و سعادت بجز نشان از در ذبح الخ و ما حیث علیا و در عمل عظیم مذکور یعنی

و افاقه و قبض و اعاده حیات غیر بدو و موت و نفاذ و دفع مقتدره توانا صورت گیرد اول بر صورت آبی
 من غیر عروج که بفتح در صور امری مکرر اظا هر دستهور سازد و ثانی غشاء منادی از مکانی قریب که مانند ابرها
 و لغزنا قور غطلی در تعابره و در قدر با بیان فسرده در اقد رسد بر خیزند و حیات تازه گیرند در وقت اول سلام
 که هنوز علوم عقلیه مثل تمدن شرق و غرب با زبان ساده مسلمانان به نیافت و اوقات آن نیز برای صرف در
 قتال و جهاد خارج برای فکر و تخصص در اینگونه از مباحث نبود چنانکه در کتب عظیم و مکرر از قرآن که مباحث
 کیفیت الهیست و پدید آید این عام غنقت است همان معانی ظاهر آیات را بر تفسیر معتقد بحدود پند
 و پیام ظاهر همین و عیسای رستیده مشهور گشته آیات لیم معاد و نیز تفسیر آیات را چه بعد از ملاحظه معانی
 ظاهریه گرفته آن لیم را بر معنی طبیعی زمانه که منوط بمرکت زمین در حال خود میباشد دانسته و مقدارش را چنانکه
 در حق از قرآن مذکور است پنجاه هزار سال استخوان خودند و تمامت علامات و اوقات را در روزی منبج
 ظاهر گرفته و چون مثل دیگر علوم عقلیه و فکریه و غیره تا چنان رسانند و دوره دقیق آنقدر در قرآن
 شرح گشت باز اغلب مسلمانان اظا هر نشدند و با وجود عدم عقیده نسبت سائل مذکور از عقل و علم و استقامت و قدرت
 و محاطیت و ممکن و غیره که سابقین بنام الهیست و مخالفت با توحید تنزیه است تا ویلی آیات مذکوره را
 چنانکه از آیه دم زوی از لقیصن با عقل و علم را او تفسیر کرده شمرند و بتوده مثل ساله نامی کرده
 همه امور مذکوره را علی الظاهر تمام منصفه شده و داعی و منادی مذکور را از حاکم ذوی اختیار
 و اوقات و رباع همانیه گرفته و در وقت ظهور ایشان تفسیر آتی غیر تنزیه را بلکه متبع از آن در بسیاری از آیات
 را چه بدو در کتب که منافق و مشاک توحید تنزیه است تا ویلی مشدند و الرحمن علی الرحمن استوی یعنی
 استو و حاکم و الملک صفات معنی خا بر یک و امثالها قابل شده جمله را از منصف ظاهر اول آید

تا و چار تشبه و تجذ فوخذ صد انگ در تمام فهم معقود و مراد از آیات مذکوره لطایف بر سر شده و آیت
 مسلمانی آن تاسی کرده کار کلمات و عبادات استخلص از لایب چشم و کتاب الم و درود
 بقصد وصول بقرآن و حور در لیم معاد مشور گردد و از اعمال آن جهان عزیزه که از طریق
 بود و سیمین و ظل افوی بر این سالنه دار و شد بر همگی اسامی بسید و انجمنی کثیرا
 فتور حاصل شده از زمین خنزه و دوسر و شفا آیت مسطور و در شرف مذکوره و
 محسن و عفو و عید برای هم و سید نیز انگاشته تا حدود و حکام نزلت کاغذی و سیمین
 و مکرر گردد تا تمیل و تقدرت شاعرانه و شفا که بهیچ وجه صدق بقصد و آقی و عین نزاره
 دل آتیین منور لکمر نصف که بمقام و نیل عن الهی ان هزارا و سی یومی به برود و علاج
 روی پشید و قرارش در مقصد صدق عند لیک بقدر احوال خود در طبع و صفات مذکوره و
 بخوبی واقف و عالم می باشد و برخی از ارباب علوم حکیمه عقیده باین امر حاصل کرده و از معقول
 شرف و در حق از صاحب مقصد اسام رسیده انکار نمود بکمال خود و شفا و جبهه و غیره
 و مقصد و عرفا بر صفتی ملاقی شرب و عقیدت و عقلی نشان حل و تبیین و کما و یکنونه
 که پیش از آنکه مفهوم و مقصودشان نزدیک است از مناد و لغت و مراد و تکلم بعد از تبیین
 و تفصیل سازی مقصوده مکرر بجهت های آیه کرده در ان مقام بهین نه راه انفا خود میگنیزیم
 که قیامت در این ظهور مهدی و قائم بر پا میگردد و آنچه در خصوص ایام خیریه اسام و طبع مهدی
 از افاضه و آثار رسیده و تقریباً جمیع علیه قامت خواهد باین خرون و اعصار این شفا
 نزدیک ایاتی و انکلاط اخلاقی و تحول قدرت و قدرت شباب اسلامی و به پیش بر مع و شفاق

در جامعه پس از غروب امار محمدی است و درین ایام و منج از قتل بنی روم بیکره بدین وجهت چو است که باین
 اناس زمان محمد بگویند و در عینم در اجماع و دنیا نیز هم اولی یک شریفی که اخلاق هم غلبه و بخرج
 نه آخر الزمان قوم روس که جبال یغیون لباس خشنود و باین معنی این زمان بگویند ما مستقیم قیامون
 القرآن و کجهت در آن عبادت و استغفار و این ابداع بیکره من حیث لا یعدون ما خدوون قیامون
 و علم المشرق تا یکون الدین بالدین را صمیمیت باین علی اناس زمان و کثیره ابراهیم عقلی عقابند
 که آید خطبانه در آن قرآن استغفارون فی غیر الدین تا یکون الدین که تا یکون الدین را طلب الاوان انوار
 شتری هم و بس فلما لاین منزلاً و سبانه مع امی زمان لا یستی من الا سلام الایمه و لاس القرآن
 الایمه مدعین و الایه و هم بعد لباس عند قوما ذالک ان شرفها تحت ظل السماء منهم فرقت لغیرهم و الایمه
 قال ابوسعید قال رسول الله لتتبعن سنن من تکیب شراً فیزا و ذوالها فذرا تا حق لو سکود جرب سب کلمه
 ظننا رسول الله اليهود والنصارى قال فمن وقیل یا رسول الله کیف یرفع لهم ویرا تعالی بین اظهرا قال
 ای تکلمت اکت و ذواله الیهود والنصارى بین اظهرا هم حرف ام یصیرا یستغفرون و کفر قاجات به
 انما هم الاوان ذوالهم ان ذریب جمله ثلاث مرات و لاین مع امی ما انی بنی اسرائیل خردون
 بالنقل الا ان قال وان بنی اسرائیل افترقت علی ثلثین و سبعین عهد و تفرقت امی علی ثلاث و سبعین
 و الجبهه خربیات اخلاق و اعمال ماسده مسلمین آخر الزمان را از قبیل سرت و خانیات قتل و شرارت
 فسوق و نفاق دعوا و اخراق جرد و عدوان و حکم ناسخ را فخر نشود بین مردم و سوار احوال زوال
 و عدم اکتانت از احکام شریعت قرآن و انما لها را بر بشود و خردا دند که در جهان حال و در آن احوال
 و این و این مهدی ظهور نماید و اخبار و آمار مرویه راجع بانجا که مسلمین و ظهور مهدی و قیام قیامت از
 طرق کلی مذکور و فرق اسلامی استخافرت و قامت طوائف المعقده و فرق و ان که گفته بودیم

و مرتضی بیست و دو سبب تنوع افکار و گفتار از غرض و انگیزه در تشخیص و تمیز و تعیین کیفیت و کمیت
 و آثارش و خود فی بسیار مانند اختلاف در تشخیص رسول و تمام مقامان بعد حاصل شد و همچنین در ظاهر
 و در ایت و قیام و قیامت در نهد اول از قرآن اول روی و او چه پس از عصر بخوبی متوجه بنی امیه در
 مسلمانان بعد از حکم و در زمانه آنکه بر آمدند و معویه بن ابی سفیان را که فرود و او بی و مسایلی بود
 و سر آمدن و سعادت و از ظاهر و موافقت و در آنوقت گروهی را با خود همراه کرده که در آنوقت
 نسبت برین نام خوار و علی بن ابی طالب این هم و معویه بنی که بیت و سعادت و دولت و ضلقت
 معروف جهانیان است جامع مسلمانان را محتاج با قیام عدل و مساوات و تعیین و ترویج سعادت
 و خالق دیده قیام فرمود و همین بساطی و متعاهدش بی برده و اصحاب را از همراه و هم آورند
 و نسبت قاطع بر فاسقین و مارچین بر کشید و پاکت و در آنوقت علیه امی حکومتی جدید در میان آن
 و سعادت سعادت و سعادت مسلمانان مانع از برترت و تعاهد کرده و معاویة سلب و حکم کردند
 و کار بر این بود که علی و خاندان فرزند و مرده و مسلمان شدند و در ساجد بر بنابر نسبت و آنوقت
 و این همی گفتند و عاقبت بقیع پذیرای مخالفین قتل رسید و کفر از شدت حسن خدات قیام ظاهر
 اظهار پذیر این گرفته و در موانع مکرره و پرا بر جای نماند و با استماع سب و لعن نسبت به او انکار
 سب بیت و حق خود را از خدافت با بجا و صلح نمود و بعد از او بر او سخن حسین با سعادت و سعادت
 و سعادت موروثه مانند پادشاهت در صلح و تهنیت جامع مسلمانان از سلطان آقایی و آنچنین در
 و در کبر تنگ در بر این برافقت و سعادت دست کشیده و بر آنکه اگر نشند تا با بستان و در آن
 سبب از بر این سعادت با دست مسلمانان کنترل گردید و از آن پس قدرت و شدت او بود بر هر سبب که قدرت
 و سعادت و در آن وین تا بساط سعادت من نسبت بر تهنیت و حقیقی که گنج نشسته با دیده از مظهرین جهان

و بعد از فوت وصیت همین قوم کردند و گاه گاه بیخ قبیله بنامه نمودند و بعد از آنکه جمیع دیگر از آن قوم
 بنی اسحاق جدا شدند و به راجسته رایت افروخته و گروهی بر این بنام گرفته لقب تکیست و عهدیت
 در صراط مستقیم اسلام شناخته چنانکه محمد بن علی بن اسحاق بن محمد بن ابی اسحاق
 بن مکرین را که بعلم و زهد و عبادت و شجاعت معروف بود در وقت سلطنت اسحاق بن علی بن ابی اسحاق بن محمد بن علی
 بن اسحاق در آن زمان در بستان بقیع درین وقت حاضر بود و در آنجا بین آن بنام عیده لقبی مشهور لقب
 کین امام بعد از حسین و مهدی بود و خود خوانده می و غائب در کوه رضوی بین درین وقت که در آنست و نقل شده
 که در خفا پنهان آمده رایت افروخته اسلام را در ظل حب و دودمان خود سر طبع بنام خود در بنام او پیش
 پیروی را بعد از پیروی و موجود و مهدی موعود گفتند تا مدت قیام در اصلاح احوال امام بهرین عبد العزیز
 رسید که در آخر وقت اول اسلام بکلیت نشت و افتراق رسد و خندق مسلمین را حاکمیت زائل نماید و این
 امیرالمؤمنین را که از آغاز غول حسن بن علی از خندق ریستش با جلا و بی باکی پیروی شایع آورد و در طول
 مدت سخت سال خلافت امویہ قبل از در افتار شامه حکمت اسلامیہ رسوم و رسوم بود بر آنکه در او
 و در پیش بر غیر خلیفه او کرده در آخر رهایی آنکه سب نماید آیه ان له ما فی السموات و الارض و من فی
 و ذکر و این بی شکم لعنکم تذکره و است کرد و از آنجا است آیه مذکوره در آخر خطبه رسوم گردید و جمله
 با براهین و اقامه سنن و طریق مستقیم نمودن آیه و اینست که زمان حصار از قبعت شان خارج شود
 و در رسوم کرده آنکه ساخته و لاجرم همین از منی امویہ و غیریم عمر مذکور را مهدی خوانند و در آن احوال همین از منی
 در اسباب همچنان بعد و قیام و رفع اعلام بر آید و گروهی عبد له بن معاویه بن عبد له بن جعفر بن اسحاق
 که در سال بعد خلافت هشام بن عبد المکرر وفات یافت مهدی گرفتند و در ایام خلافت مذکوره سال
 زین بن علی بن امین بن علی بن اسحاق در کوفه مردم را دعوت بخود کرده جمعی با وصیت نمودند و حکمران
 در پیش بر آید اما ترا منسوب کرده سرش را جدا نموده نزد هشام حدیث فرستاد و عهدش را در کوفه ساختند

از حسن بعد از آنکه منقول است آن گاه که در آن وقت و بعد از وفات عمر بن عبد العزیز جلال الله علیه تاریخ النفا





گفتن ترک ابرج فدوة في غير منزلة اهل البيت پس بايکي بن عبد الله بن حسن الشافعي باز نيزه شفاقة
 وعدت و عدت حاصل نمود و در روز رزید فضل بن یحیی را با بسیار ای بی دروغ و نسا و فضل با بوی شفاقت
 مکالمت کرده و عهد و پیمان داد و در آن زمان نامه موکد قبسم و موشح استجادات و ضمانات
 ضنا و بد فلفلت بفرستاد و یحیی مخلص شد . بیخبر او رفت و در روز اکرام کرده اموال بسیار بخشید
 و پس از چیزی کمین انداخته چندان نگهداشت تا در آنوقت و فرقه واقعه امام موسی که نام را
 که قبالت وفات خود نمود و در غایت و دشمنی و فرقه دیگر از سنیان محمد بن علی الشافعی را از سرش
 و دیگر فرقه امام حسن عسکری را که قبالت در سرمن رای وفات کرده جنب هر دو فرقه بودی
 گفته و با اینکه او را از زنی طاهر نمود چهار تن از دکان اشیا عشق بدین نام عثمان بن سعید
 و یسریش ابو جعفر ابوالقاسم حسین بن روح و علی بن محمد السمری مدعی شدند که فضل و عهد صفیری
 از او باقی است و محض تحفظ از بعض معتد به خلیفه عباسی پنهان گفته امام بعد از بر سر استوار
 غایت و دگرایی او خوانند و بعضی از شیاع و اتباع امام حسن بن علی اعتقاد و اوصاف جفا کنند
 و ایم و کالت و کف اربله هفتاد و سه سال بطول این میسر و امور را به مرتبه جماعت را و کالت عهد امام
 داده ادراک وصول و تحقیقات بعد از آن صدر از امام محمد بن حسن عسکری آوردند و چون در سال ۳۳۳
 وفات سعیدی رسید و کسلی بر جای نماند سعید نکرده قدیمی و بنفیر در آورد که دوره غیبت صفیری سر آمده است
 آن از غیبت کبری است و دیگر احدی امام را تا بوم ظهورش ندیده و غیبت کبری در امام حذوف استی هستی
 شروع شد و از این مذنب اتن عشره اعتقاد یافت که سالها در بین خود اسب قدیم اسلام در ایران
 و غیره با بنوع اقلیت مانند و کتبان و قیاس زینت و گاهی که برخی از معتقدین این عهد از طبقه ادرا
 و علی بر خاست قدرت و نه از حاصل کردند و نیز او داد و در هر دو روز پیش از قیامت چه که نوسیم

بخاین سجاد قیامت لافغان رحان یعنی افاک او را هم مگر آن ایا که در محاسن و انکس از آن سال تمام قال سبحان الله ما
 مولود لم و ان هیوت موقر قد و لم یض کما یض اول الیه و کتن هر جا که رفتند قیامت بنیام جراتین بعد از این علی
 اولاد را ایام و لیفرده حق قرابت بنیام جرات فیصلی بر اولاد و منیع بر آن لغت صفت غنه کینه کافی

پیوسته مترصد غنای وقت شدند تا در سال ابوالمحسن یحیی بن عمر جمعیتی در کوفه قیام کرد سپاه
 مستقیم بانه خلیفه عباسی جهش را شکسته متفرق ساختند و سر او را بریده نزد خلیفه فرستادند
 و نیز حسن طیب بداعی الی الحق در بنای قیام کرده طبرستان را تصرف نمود جمعیتی گرد آورد تا در
 سال ۲۵۷ قتلاد گرگان را به تصرف آورد و در سال ۲۸۷ بدست عمال معتضه بانه عباسی کشته شد پس محمد بن زین
 از همان سلسله که اویب ذهل دستاورد نیکو سیرت نمود در جنگ اسهل سال ۳۰۰ خروج گشته و نجات کرد و گمان
 پیش از این زید پس حسن بن علی طیب ناصر معروف باطروش در طبرستان قیام بدعوت کرد تا بنی امیه بخواند
 و بعد از او حسن بن قاسم طیب عراقی در سال ۳۱۶ بدست عمال مروان بن زبیر و علی کشته شد و سلسله شان
 متفرق گشت و هیچ یک از فرق و دعوات آل ایشیاب بمقام حکمران مستقل واقف آرد و متبلی شدند
 تا در سال ۲۹۵ ابدار دولت خلفا فاطمیین در افریقا شد که نسب بکبریا اسمعیل بن حفص بن محمد بن علی بن
 ابیالمحسن بن علی بن ایشیاب در ششصد دعوت از محمد بن عبدالمطلب بن احمد بن محمد بن اسمعیل بن حفص شروع
 کردید و بواسطه مسلمین که از آنکند ابو عبدالمطلب از اهل صحابین در ستم بن حوالب از اهل کوفه بود و اولاً
 درین شهر گشت تا نایب مالک مغرب از اهل رفت و جمعی بسیار از شیعیان پیروی کردند و محمد بن عبدالمطلب در
 اثنای دعوت در گذشت و خلفش عبدالمطلب محمدی حسب تفصیص بدعوت و خلافت آرد
 گرفت و بعد از آن دلقود رسید و شهر مدینه را بنا نمود در سال ۳۲۳ و نجات یافت و بعد از او پیش ابوالمطلب
 محمد طیب قیام قدرت نامه حال کرد و افراسین خلافت ایشیاب که خلفا فاطمیین معروف از در مدینه
 سال ۳۵۲ اتفاق افتاد و مغرب اثنای مغرب عرب در قرن دهم سلطنت و خلافت صغیر استیلا یافت
 و عمالاً بصفه بدین محدث شدند و بروج تمام بافته مغرب دولت و اکبرت این گشت حال سواد
 که درین حال است در این جنگ عکرت غلبه و بجزایات و فرق نم کرد از شیعیان آل علی دعوات و فرق بسیار
 در ممالک بقره اسلام بنام محمدی برافراشته عبت آراسته که درین از فرق شدند و درین از فرق